



واکاوی پویایی‌های قدرت در خانواده: یک نمونه مطالعه‌ی کیفی

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
استادیار گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
استادیار، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

وحید سلطانیان 
زهرا یوسفی* 
فلور خیاطان 

z.yousefi@khuisf.ac.ir

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۹

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۴ پیاپی ۱۸ | ۳۰۰-۳۱۶

پاییز ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(سلطانیان و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

سلطانیان، وحید، یوسفی، زهرا، و خیاطان، فلور. (۱۴۰۲). واکاوی پویایی‌های قدرت در خانواده: یک نمونه مطالعه‌ی کیفی. *خانواده درمانی کاربردی*، ۴(۴)، ۳۰۰-۳۱۶.

چکیده

هدف: هدف مطالعه حاضر بررسی مولفه‌های قدرت در خانواده است. **روش پژوهش:** این مطالعه با روش کیفی و به روش تحلیل مضمون انجام شد. روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع متجانس بود به این ترتیب که ۱۲ نفر از زنان و مردان متأهل اعم از راضی و ناراضی از زندگی زناشویی بود که براساس ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. داده‌های گردآوری شده به کمک تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. **یافته‌ها:** نتایج شش مقوله اصلی را نشان داد که عبارت بودند از (۱) منابع قدرت (قانونی، فردی، زوجی، خانوادگی) (۲) توزیع قدرت (براساس توامندی‌های فردی، منابع قدرت بیرونی، جنسیت و سن) (۳) راهبردهای دستیابی به قدرت (راهبردهای سازگار و ناسازگار) (۴) آسیب شناسی قدرت (نبود سلسله مراتب قدرت، تنظیم قدرت بر اساس منابع بیرونی و عجز یک یا هر دو زوج در تنظیم قدرت) (۵) هدف از قدرت یابی (فردیت طلبی، زوجیت طلبی و آرمان جویی خانوادگی) (۶) آثار قدرت در خانواده (آثار منفی و آثار مثبت). **نتیجه‌گیری:** با توجه به این نتایج می‌توان گفت قدرت در خانواده سازه‌ای چند بعدی و پویا است که آسیب‌های آن می‌تواند خانواده را به آشفتگی سوق دهد و بالعکس.

کلیدواژه‌ها: توازن قدرت، مطالعه کیفی، تحلیل مضمون

مقدمه

خانواده به دلیل اهمیت آن در رفع نیازهای جسمانی، روانی، عاطفی، اجتماعی و حتی معنوی همواره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است این جایگاه مهم زمانی که تولید و تربیت انسان‌های جدید نیز به آن اضافه می‌شود مضاعف می‌گردد، از سوی دیگر خانواده در زمینه‌ی انتقال و حفظ فرهنگ یک جامعه نقش به‌سزایی دارد از این رو همواره اندیشمندان بشر دوست دغدغه‌ی حفظ آن را داشته‌اند (فرگوسن و ایوانز، ۲۰۱۹). در همین راستا یکی از موضوعاتی که مورد توجه خانواده‌درمانگران است قدرت است. سلسله مراتب قدرت در نظریه‌ی راهبردی در حوزه‌ی خانواده درمانی یکی از سازه‌هایی است که آشکارا به آن اشاره شده است (فیسز، سلانو، دیتز-دیکارد، جوریلز و ویشمن، ۲۰۱۹). مطابق با این نظریه عدم وجود سلسله مراتبی از قدرت باعث ایجاد آسیب در خانواده می‌گردد؛ هر سیستمی سلسله مراتبی دارد و قواعد مربوط به اینکه چه کسی باید در جایگاه اولیه و چه کسی باید در جایگاه ثانویه‌ی قدرت باشد باید مشخص باشد (جکسون و لندرز، ۲۰۲۰).

ساختار قدرت خانواده در شبکه‌ی روابطی نهفته است که اعضای خانواده با یکدیگر دارند برای مثال پیوندهای شخصی و هیجانی که بر اثر نقش همسری یا پدری و مادری و خواهری و برادری شکل می‌گیرند و با ورود شخص جدید جایگزین نمی‌شوند از جمله عواملی است که می‌تواند جایگاه افراد را در اتخاذ تصمیمات خانوادگی تعیین نماید. در حوزه‌ی خانواده درمانی، نظریه راهبردی جی هی لی مهمترین نظریه‌ای است که یکی از مفاهیم آن توزیع قدرت است و نبود سلسله مراتب قدرت را آسیب مهمی برای عملکرد خانواده می‌داند و سایر نظریه‌ها کمتر به طور مستقیم به آن اشاره کرده‌اند اما در حوزه جامعه-شناسی خانواده دو نظریه‌ی مهم پارسونز که تفکیک بر اساس جنسیت و تفکیک بر اساس سن را دو عامل مهم در توزیع قدرت خانواده می‌داند و نظریه پیتر بلا که قدرت تولید منابع مالی را در شکل‌گیری منابع قدرت در خانواده مهم می‌داند (حسینایی و کاویانی، ۱۳۹۸) مطرح شده‌اند. از سوی دیگر اعضای خانواده به واسطه‌ی عشق، عاطفه، تعهد متقابل، انس و همنشینی، معاشرت و روابط بلند مدت و ارضا و تامین نیازهای نامحسوس یکدیگر به یکدیگر دلبسته و وابسته می‌شوند به گونه‌ای که حتی سلامت جسمانی و روانی یکدیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهند این دلبستگی نیز می‌تواند باعث گردد تا توزیع قدرت در خانواده منعطف‌تر گردد (فیشز، اسکویک، راترفورد و هتتریک، ۲۰۱۹). همه‌ی موارد مذکور شرایط بی‌بدیلی را فراهم می‌نماید که می‌تواند باعث آرامش اعضای آن و یا در مقابل موجب آشفتگی خانواده گردد و این بسته به آن است که خانواده توانمند باشد یا ناتوان (لبو، ۲۰۱۹) در حالت توانمندی خانواده می‌تواند نیازها، منافع و علائق کلیه‌ی اعضا را مورد توجه قرار دهد، چنین خانواده‌ای گرچه اعضایش گه‌گاه تعارضاتی را تجربه می‌کنند اما در عین حال روش‌هایی را ابداع می‌نماید که منافع کلیه اعضا مورد توجه قرار گیرد در صورتی که خانواده از چنین توانایی قاصر باشد طبیعتاً الگوهای بی‌ثباتی، آشفتگی و آشوب بر آن حاکم می‌شود (فیسز، سلانو، دیتز-دیکارد و ویسمن، ۲۰۱۹). زمانی که شبکه‌ی ارتباطات به خوبی شکل گرفته باشد قدرت در خانواده به رویدادهای خانوادگی مثبت و سازگار منجر می‌گردد که بر عاطفه مثبت، میل به ادامه عضویت و وفاداری خواهد انجامید (احمدی‌مهر، یوسفی و گل‌پرور، ۱۴۰۰) و در حالی که این‌گونه نباشد خیانت، ترک خانواده و هیجانات منفی نسبت به یکدیگر شکل می‌گیرد (غفرالهی و همکاران، ۱۴۰۰). چنان‌که منابع قدرت در خانواده به درستی شکل بگیرد آنگاه دنیا برای اعضای خانواده محلی امن، قابل

پیش‌بینی و مهارپذیر خواهد بود و جریان‌ها و رویدادهای منفی اجتماعی حداقل اثر منفی را بر خانواده خواهند داشت چنین خانواده‌ای می‌تواند در شرایط نامطلوب هم کارکرد روانشناختی مناسب را حفظ می‌کند (محمودزاده، یوسفی و گل‌پرور، ۱۳۹۹)، بالعکس چنانچه قدرت در خانواده دچار آشفتگی باشد دنیا برای اعضای آن غیرقابل پیش‌بینی و بالقوه خطرناک خواهد بود (لی، ۲۰۲۱) و امواج اجتماعی و فرهنگی به شدت خانواده را متاثر می‌کند و طبیعتاً چنین خانواده‌هایی در مواجهه با چالش‌ها و فرازها و نشیب‌های درون خانوادگی و برون خانوادگی عاجزند و احتمال فروپاشی خانواده افزایش می‌یابد (دهقانی‌شش‌ده و یوسفی، ۱۳۹۸). عدم توازن قدرت در خانواده به شکل‌گیری مثلث‌ها و ائتلاف‌هایی منجر می‌گردد که تعارضات خانوادگی را تشدید می‌نماید (باباصفیری، آتش‌پور و یوسفی، ۱۴۰۱).

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی به موضوعات قدرت در قالب همین سازه یا سایر سازه‌ها پرداخته‌اند از جمله حسینائی و کاویانی (۱۳۹۸) طی پژوهشی نشان دادند که ساخت قدرت در خانواده و شیوه‌های اعمال قدرت می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی میل به طلاق باشد؛ متولیان، حسینی شیروانی و نوری (۱۳۹۸) نشان دادند شیوه‌ی اعمال قدرت چه دموکراتیک و چه استبدادی می‌تواند دین‌داری را پیش‌بینی نماید؛ کریمی آرا، بهیان و محمدی (۱۳۹۹) طی پژوهشی نشان دادند که سرمایه اجتماعی درونی و بیرونی با ابعاد منابع قدرت خانواده رابطه معنادار دارند؛ میرحسینی، ابراهیمی و پاکدل (۱۴۰۰) طی پژوهشی نشان دادند توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در خانواده‌های ایرانی به سمت مردان است اما نگرش زنان به پذیرش قدرت نیز حائز اهمیت است همچنین نتایج نشان داد صرفاً درآمد اقتصادی در خانواده قدرت تصمیم‌گیری را افزایش نمی‌دهد بلکه مهارت‌های روانی و اجتماعی نیز بر آن موثر است. مثلث‌سازی به عنوان یکی از سازه‌های مرتبط با قدرت در خانواده نیز توجه پژوهشی زیادی را جلب کرده است از جمله رجالی و یوسفی (۱۴۰۰) نشان دادند که مثلث‌سازی باعث می‌گردد حتی خردمندی زنان نتواند روابط خانوادگی مناسب را شکل دهد؛ بشیرگنبدی، درگاهی، احمدبوکانی، فداکار (۱۴۰۰) نشان دادند افرادی با سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی باعث مثلث‌سازی می‌گردند و شرایط عدم توازن قدرت را فراهم می‌نمایند؛ دهقانی‌شش‌ده و یوسفی (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که مثلث‌سازی به علت ایجاد عدم توازن قدرت موجب میل به طلاق می‌گردند. در همین راستا مرادی و یوسفی (۱۳۹۶) نشان دادند که مثلث‌سازی توسط مادران می‌تواند عملکرد اجرایی کودکان دبستانی را کاهش دهد، باقری، حسین‌زاده، بهرام‌پور و بهمنی (۱۳۹۳) طی پژوهشی نشان دادند که بین متغیرهای نگرشی به جنسیت زنان، میزان منابع ارزشمند زنان، تطابق‌پذیری، اشتغال و سن همسر آنان با قدرت زن در خانواده رابطه معنادار دارد. این پژوهش‌ها به برخی سوالات مد نظر پژوهش‌گران آن پاسخ داده‌اند اما به نظر می‌رسد همچنان قدرت در خانواده به عنوان یک کل یکپارچه مغفول مانده است.

در همین راستا تجارب بالینی نشان می‌دهد که بسیاری از تعارضات زناشویی مربوط به کشمکش‌های قدرت است و هنوز سوالات زیادی در این زمینه بی‌پاسخ است برای مثال مشخص نیست که چه چیزی باعث قدرت بیشتر خرده‌نظام‌ها در تصمیم‌گیری می‌گردد؟ یا چرا در برخی خانواده‌ها هیچگاه زوجین بر سر قدرت به توافق نمی‌رسند و این کشمکش‌های قدرت از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. نتایج چنین پژوهشی که بتواند ابعاد آشکار و پنهان قدرت را در خانواده مشخص نماید همچنین مشخص کند که

چطور می‌توان شیوه‌های سازگار اعمال قدرت و تعیین حوزه‌های توزیع قدرت را به نحو سازگار شکل داد می‌تواند برای مشاوران خانواده مسیری برای ارائه‌ی راهکارها و درمان‌های اصلاحی آسیب‌شناسی قدرت باشد همچنین این نتایج به عنای متون خانواده‌درمانی کمک کرده و مسیر پژوهش‌های بیشتر را فراهم می‌سازد. از این رو این پژوهش بر آن بود تا از طریق سنت پژوهش کیفی به این سوال پاسخ دهد: مولفه‌های قدرت در خانواده چه هستند؟

روش پژوهش

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش واکاوی مولفه‌های قدرت در بین متاهلین با زندگی پایدار بود کسانی که طبق ملاک‌های ورود و خروج، زندگی زناشویی آنان پایدار (داشتن سابقه‌ی ده ساله‌ی زندگی علی‌رغم رضایت زناشویی با عدم رضایت زناشویی) تشخیص داده می‌شد. با توجه به اینکه به نظر می‌رسید این دسته از افراد می‌توانند تجارب و ادراکات و فهمی از زندگی در بافت بومی فرهنگ شهر اصفهان داشته باشند که باید در قالب یک پژوهش صدای آنان شنیده شود. به این ترتیب این پژوهش از نوع کیفی بود و روش آن تحلیل مضمون به روش براون و کلارک (۲۰۰۶) بود. این مطالعه از نوع تحلیل استقرایی بود. یعنی بر تجارب پاسخ‌گویان تمرکز داشت و مطالعه بر اساس اصول مربوط به پژوهش‌های استقرایی استوار بود. افزون بر این، تحلیل یک رویکرد معنایی را در پیش گرفت یعنی مضامین از روی «معانی آشکار یا سطحی داده‌ها» شناسایی شده است. پس از مصاحبه با این متاهلین و تحلیل داده‌های کیفی، مفاهیم و مقوله‌های استخراج و مدل نهایی ارائه شد.

در پژوهش حاضر جامعه پژوهش کلیه متاهلین زن و مرد با یا بدون رضایت زناشویی در شهر اصفهان بود. هر شرکت‌کننده در پژوهش به شکل هدف‌مند انتخاب شد؛ به این ترتیب که پس از معرفی یک متاهل مطابق با ملاک‌های ورود و خروج توسط یک خانواده‌درمانگر از او خواسته می‌شد تا افراد دیگر را به او معرفی نماید. اشباع داده‌ها با ۱۲ زن و مرد متاهل اتفاق افتاد. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: تمایل به شرکت در مصاحبه‌های پژوهشی، به خاطر آوردن محتوای ارتباطات خانوادگی، داشتن حداقل ده سال سابقه زندگی متاهلی، داشتن حداقل دو فرزند. لازم به ذکر است از آنجا که در پژوهش متاهلین دارای رضایت در کنار متاهلین ناراضی مد نظر بودند که هم به اذعان شخص معرف آنان از زندگی زناشویی خوبی برخوردار بودند و هم اینکه در بررسی شفاهی خودشان نیز قائل به این موضوع بودند که در زندگی زناشویی از رضایت برخوردارند همچنین چنانچه اعلام می‌کردند از زندگی زناشویی خود راضی هستند از آنان خواسته می‌شد خودشان و همسرشان پرسشنامه رضایت زناشویی را تکمیل کنند چنانچه نمرات بالاتر از متوسط پرسشنامه بود از آن شرکت‌کنندگان استفاده می‌شد. متاهلین ناراضی نیز توسط مشاوران خانواده معرفی می‌شدند. ملاک‌های خروج عبارت بودند از: داشتن سابقه‌ی متارکه یا قهرهای زوجی بلند مدت، داشتن پرونده‌ی طلاق، داشتن تجربه طلاق و ازدواج مجدد. لازم به ذکر است مصاحبه‌ها به شکل فردی انجام شد و زوجین مد نظر نبودند.

جهت افزایش صحت و استحکام داده‌ها از ارزیابی مقبولیت، انتقال‌پذیری و تناسب، تصدیق و تأیید، و اطمینان و اثبات استفاده شد (فیتزپاتریک، ۲۰۱۴). به این ترتیب که نتایج تجزیه و تحلیل به سایر اعضا تیم تحقیق ارائه و از نظرات تکمیلی و انتقادی آنان استفاده شد. همچنین متن دست‌نوشته‌ی مصاحبه‌ها و

درون‌مایه‌های استخراج‌شده در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا بررسی کنند آیا متن مصاحبه و درون‌مایه‌ها، انعکاس تجارب آن‌ها است یا خیر. برای افزایش انتقال‌پذیری و تناسب، نمونه‌های متناسب یعنی افراد متأهل و رضایتمند از زندگی زناشویی برای مطالعه انتخاب شدند، مشارکت‌کنندگان و مراحل مطالعه به‌خوبی توصیف و امکان بررسی مستندات مطالعه فراهم گردید. جهت تصدیق و تأیید یافته‌ها از سه صاحب‌نظر در زمینه پژوهش‌های کیفی و مشاوره خانواده درخواست شد گزارش‌ها و دست‌نوشته‌ها را مرور کرده، دیدگاه‌های خود را بیان کنند تا میزان تشابه در نتیجه‌گیری‌ها مشخص شود. برای کمک به اطمینان و ثبات، داده‌ها در اختیار یک پژوهشگر دارای تجربه مشاوره خانواده در زمینه مطالعات کیفی که ارتباطی با پژوهش نداشت قرار گرفت تا مشخص شود که آیا او نیز نتایج را تایید می‌نماید که نتایج مورد تایید وی نیز بود.

ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه‌ساختاریافته.** از مصاحبه نیمه ساختاریافته به منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. سوالات مصاحبه بر اساس واکاوی مولفه‌های قدرت در خانواده طراحی و آماده شد و پس از بررسی توسط سه متخصص و یک ارزیابی اولیه در یک مصاحبه مقدماتی مورد استفاد قرار گرفت. عناوین و موضوعاتی که بحث می‌شد یکسان بود و در بردارنده سوالاتی در مورد نحوه‌ی جلب رضایت طرف مقابل برای انجام امور دلخواه، قدرت بیشتر برای تصمیم‌گیری و توانایی تغییر نظر همسر در راستای القای رای و نظر خود، شیوه‌ی مدیریت نقش‌ها و تصمیم‌گیری نهایی در امور مهم بود. در طول مصاحبه سوالات کاوشی نیز پرسیده شد مانند می‌توانید در این زمینه بیشتر توضیح بدهید؛ همچنین در پایان هر مصاحبه، از شرکت‌کننده‌ها درخواست می‌شد تا اگر موضوع دیگری را لازم می‌دانند بیان کنند تا مطلب مهم دیگری از قلم نیافتد.

شیوه اجرا: پس از دریافت مجوزهای لازم از دانشگاه و تماس با مراکز مشاوره و انتخاب شرکت‌کنندگان، ضمن دریافت یک قرار ملاقات با آنان مجوز اجرای پژوهش به آنان ارائه شد و از آنان درخواست می‌شد تا به سوالات مصاحبه پاسخ دهند. همه‌ی مصاحبه‌ها ضبط و پس از اتمام مصاحبه پیاده‌سازی می‌شد. مصاحبه‌ها در محیط مرکز مشاوره برگزار شد. مدت زمان طول کشیدن آن‌ها نیز بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. به طور خلاصه به منظور تحلیل داده‌ها و با توجه به اینکه روش پژوهش تحلیل مضمون بود از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۱۹) به شرح زیر استفاده شد: (۱) آشنا شدن با داده‌ها، (۲) تولید کدهای اولیه، (۳) جستجوی مقوله‌ها، (۴) بررسی مقوله‌ها، (۵) تعریف و نام‌گذاری مقوله‌ها و (۶) آماده‌سازی گزارش.

یافته‌ها

از لحاظ جمعیت‌شناختی اعضای نمونه آماری به طور همگون انتخاب گردیدند. نتایج این تحلیل‌ها در جدول ۱ آمده است. لازم به ذکر است کلیه‌ی مقولات مستخرج از مباحث مطرح شده توسط هر دو گروه استخراج شد و زنان و مردان ناراضی و راضی هر دو به نحوی تکرار و استخراج شد.

جدول ۱. مقوله‌بندی مولفه‌های قدرت براساس نظر متاهلین

مقوله‌بندی پایه	مقوله‌بندی سازمان دهنده	مقوله‌بندی هسته‌ای
حق طلاق	منابع قانونی قدرت	منابع قدرت
مهریه		
توانمندی‌های فردی	منابع فردی قدرت	
توانمندی‌های وابسته به پایگاه خانوادگی اصلی		
زن یا شوهر		
توانمندی‌های وابسته به جایگاه اجتماعی فرد		
توانایی در متقاعد کردن	منابع زوجی قدرت	
توانایی در دل‌بسته کردن		
توانایی در ایفای تکالیف زوجی		
توانایی در دل‌بسته شدن		
میراث خانوادگی	منابع خانوادگی قدرت	
توانایی عبور از مراحل رشد یا چرخه‌ی خانواده		
توانایی حفظ ارزش‌های خانوادگی مقدم بر ارزش‌های فردی		
ارجحیت تحصیلات نسبت به همسر	توزیع بر اساس توانمندی‌های فردی	توزیع قدرت
ارجحیت مالی نسبت به همسر		
ارجحیت در توانمندی‌های شناختی نسبت به همسر		
مثلث سازی با خانواده	توزیع بر اساس منابع قدرت بیرونی	
مثلث سازی با دوستان		
استفاده از توانمندی‌های مردانه	توزیع قدرت بر اساس جنسیت	
استفاده از توانمندی‌های زنانه		
والدین زوجین	توزیع قدرت بر اساس سن	
زوجین		
فرزندان		
محبت و عشق ورزی	راهبردهای سازگار دستیابی به اقتدار	راهبردهای دستیابی به قدرت
اخلاق		
متقاعد کردن		
حمایت کردن		
درک کردن		
توجه و احساس مسئولیت نسبت به نیازهای جنسیتی همسر		
حل مسئله		
رفاقت	راهبردهای ناسازگار دستیابی به قدرت	
تهدید		

	فحاشی	
	سرزنش	
	عیب‌جویی غرض‌ورزانه	
	بی‌اعتبار سازی اجتماعی	
	مقایسه‌ی اجتماعی غیر منصفانه	
	زورگویی	
	بی‌توجهی به حساسیت‌ها و جذابیت‌ها	
	بیماری انتخابی	
آسیب شناسی قدرت	نبود سلسله مراتب قدرت	
	کش‌مکش طلبی	
	قدرتمندی موضوعات و افراد درجه دوم	
	دخالت والدین	تنظیم قدرت بر اساس منابع بیرونی
	خیانت	
	عدم پذیرش قلمروی قدرت همسر	عجز فردی یک یا هر دو ی زوجین در
آسیب شناسی قدرت	ناتوانی در مدیریت قلمروی تصمیم‌گیری	تنظیم قدرت
	ارضای نیازهای فردی	فردیت طلبی
	اطمینان از تامین امنیت فردی	
	دستیابی به منافع زوجی	زوجیت طلبی
	دستیابی به علائق زوجی	
	رشد و بالندگی فرزندان	آرمان‌جویی خانوادگی
	دستیابی به امنیت و رفاه خانوادگی	
آثار قدرت در خانواده	اختلافات خانوادگی لاینحل	آثار منفی
	راه‌حل‌های نافرجام برای مشکلات خانوادگی	
	پدر در حاشیه مادر در مرکز	
	ناتمام ماندن نقش‌های خانوادگی	
	مرزهای خانوادگی در هم ریخته	
	میل به طلاق در زوجین یا یک از آنها	
	تعارضات خانوادگی هسته‌ای با خانوادگی گسترده	
	نشست مشکلات خانوادگی به اجتماع	
	علائم مشکلات جسمانی و روانی	
	وجود مکانیسم‌های دفاعی ضعیف در خانواده	
	وجود سبک دلبستگی ناایمن در اعضا	
	توافقات مشترک	آثار مثبت
	موفقیت فرزندان با توجه به توانایی‌های آنان	
	اقتدار مرد و قدرتمندی زن	

وجود انسجام و انطباق متعادل

صمیمیت و دل‌بستگی ایمن

موفقیت فردی و اجتماعی فرزندان

عبور از بحران‌های چرخه‌ی رشد خانوادگی

بر طبق مندرجات جدول فوق، ۷۱ مقوله‌بندی پایه، ۱۹ مقوله‌ی سازمان‌دهنده و شش مقوله‌ی هسته‌ای استخراج شد. که مقوله‌های هسته‌ای و سازمان‌دهنده هر یک عبارت بودند از:

۱. منابع قدرت (قانونی، فردی، زوجی، خانوادگی). منظور از منابع قدرت آن است که در خانواده قدرت دارای منابعی است که در چهار مقوله سازمان‌دهنده جای می‌گیرد که عبارت بودند از منبع قانون که برای زن مهریه بود و برای مرد حق طلاق. یکی از زنان شرکت‌کننده می‌گوید: «من خیلیها را دیدم که بابت مهریه سنگین همیشه با همسران‌شان اختلاف داشتند و همیشه به عنوان یک حربه بر علیه شوهران‌شان از آن استفاده می‌کردند در ضمن مردانی را هم دیده‌ام که حق طلاق را به همسران‌شان داده‌اند و البته نتوانسته‌اند زندگی خوبی داشته باشند چون بازهم توازن قدرت در زندگی آن‌ها به هم خورده بود».

دیگر کد سازمان‌دهنده در این کد هسته‌ای منابع فردی قدرت بود که نشان می‌داد هر یک از زوجین می‌توانند به طور فردی حامل توانمندی‌های باشند که می‌تواند در تعدیل و تنظیم قدرت در خانواده نقش داشته باشد از جمله این توانمندی‌ها تحصیلات، درآمد، ظاهر فیزیکی، ارتباطات بین فردی و جذابیت‌های شخصی بود که باعث می‌شد تا زوجین به طور فردی قدرت بیشتری داشته باشند. همچنین یکی از منابع مهم، قدرت زوجی بود که نشان می‌داد خود زوجین توانایی‌هایی دارند که شامل کدهای پایه‌ی هنر متقاعد کردن، توانایی دل‌بسته شدن، توانایی دل‌بسته کردن و توانایی ایفای تکالیف زوجی بود که موجب می‌شد تا توازن قدرت در بین زوجین رخ دهد و حداقل کشمکش بر سر قدرت به وقوع بپیوندد. دیگر کد سازمان‌دهنده در این کد هسته‌ای منبع قدرت خانوادگی بود که نشان می‌داد علاوه بر منابع زوجی و فردی خانواده گسترده و کل خانواده در یک واحد مشترک می‌تواند بر توازن قدرت موثر باشد برای مثال میراث خانوادگی که هریک از زوجین از خانواده‌ی اصلی خود به همراه می‌آورند که می‌تواند فرهنگی خانواده دوستی را تقویت نماید یا آن را تضعیف نماید، بنابراین نتایج نشان داد خانواده‌هایی که میراث خانواده بر انسجام و تاب‌آوری تأکید دارد کشمکش کمتری دارند و برعکس خانواده‌هایی که میراث خانوادگی بر خودخواهی و منفعت‌طلبی تأکید دارد کشمکش بر سر قدرت فراوان است. یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید «مامانم به من همیشه می‌گفت شوهرت آقای زندگی توست قدرش را بدون همیشه تو گوشم بود و تلاش کردم این حرف را به خاطر بسپارم» کد پایه‌ی دیگر در این کد سازمان‌دهنده عبور به موقع و مناسب از چرخه‌ی زندگی بود که نشان می‌داد اگر خانواده توانایی داشته باشد به موقع از چرخه‌ی زندگی عبور کند آنگاه کشمکش بر سر قدرت کاهش می‌یابد یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «ما اختلافات زیادی بر سر تصمیم‌گیری نداشتیم اما بعد از چهار سال کم‌کم تعارضاتی بر سر تصمیمات و منافع پیدا کردیم اینجا بود که مادرم گفت باید بچه پیدا کنی هر خانواده بچه‌ای می‌خواد که منافع مشترک را خلق کنه و واقعا زندگی‌مون بهتر شد با بچه»

۲. توزیع قدرت (براساس توانمندی‌های فردی، منابع قدرت بیرونی، جنسیت و سن). دیگر کدبندی هسته‌ای مستخرج بود که نشان می‌داد که شیب توزیع قدرت بر اساس عوامل گوناگونی تعیین می‌شود که ریشه در منابع فردی دارد از جمله کد سازمان‌دهنده در این زمینه ارجحیت توانمندی‌های فردی نسبت به همسر، ارجحیت درآمد فردی نسبت به همسر و ارجحیت توانمندی‌های فردی نسبت به همسر بود؛ یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید یکی از دلایل اینکه من واقعا با شوهرم هماهنگم این است که خداییش می‌بینم مرد تحصیل کرده‌ای است، درآمد خوبی دارد و تصمیمات خوبی می‌گیرد.» دیگر کد سازمان‌دهنده در این کد هسته‌ای توزیع قدرت بر اساس منابع قدرت بیرونی بود که می‌توانست بر کشمکش قدرت بیفزاید که دو کدبندی مثلث‌سازی با خانواده اصلی و مثلث‌سازی با دوستان را در بر می‌گیرد در همین راستا شرکت‌کننده‌ای می‌گوید: «من بدبختی خواهرم را به چشم خودم دیدم مشکلات در دهان دوست و آشنا و فامیل می‌چرخید برای همین من سعی کردم خودم مشکلاتم را حل کنم و مشکلاتم به خارج از خانه درز نکنند.» همچنین کد بندی‌های سازمان‌دهنده نشان داد که توزیع قدرت در پاره‌ای از موارد بر اساس جنسیت رخ می‌دهد و در بعضی موضوعات زنان و در برخی دیگر مردان قدرت بیشتری دارند یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «بعضی جاها همسرم کار و تصمیم‌گیری را کامل به من می‌سپارد برای مثال خرید مبل اما بعضی جاها هم خودش کامل تصمیم‌گیری می‌کند برای مثال خرید ماشین البته نظر من را می‌خواهد ولی خودش در نهایت تصمیم عمده را می‌گیرد» نتایج نشان داد سن نیز در توزیع قدرت حائز اهمیت است که شامل سه کدبندی اولیه نقش والدین زوجین، نقش خود زوجین و نقش فرزندان در توزیع قدرت بود که نشان می‌داد سن افراد نیز می‌تواند در توزیع قدرت نقش مهمی داشته باشد و در بهترین حالت زوجین نقش پررنگ‌تری در توزیع قدرت دارند.

۳. راهبردهای دستیابی به قدرت (راهبردهای سازگار و ناسازگار)؛ یکی دیگر از کدهای هسته‌ای مهم بود که نشان می‌داد زوجین برای دستیابی به قدرت ممکن است از راهبردهای استفاده کنند که می‌تواند راهبردهای سازگار قدرت باشد که شامل این کدهای پایه بود: محبت و عشق‌ورزی، اخلاق، متقاعد کردن، حمایت کردن، درک کردن، توجه به احساس مسئولیت نسبت به نیازهای جنسیتی همسر، حل مسئله و رفاقت. در همین راستا یکی از شرکت‌کنندگان مرد می‌گوید: «من خدا را شکر خانواده خوبی دارم آنچه به من قدرت داده محبت‌ورزی است، همسرم از اخلاقم راضیه، احساس مسئولیتم خوب است و اجازه نمی‌دهم چیزی اوضاع را به هم بریزد» شرکت‌کننده دیگری می‌گوید: «من به شوهرم خیلی احترام می‌گذارم به اون نشون میدم که دوست دارم به او تکیه کنم و واقعا سعی می‌کنم احساس نکند کنار دشمن است سعی می‌کنم دوستی را برایش تمام کنم.» دیگر راهبرد دستیابی به قدرت راهبردهای ناسازگار بودند که مشکلات مربوط به کشمکش قدرت را تشدید می‌کرد این کد سازمان‌دهنده شامل کدهای پایه‌ی زیر بود: تهدید، فحاشی، سرزنش، عیب‌جویی غرض‌ورزانه، بی‌اعتبارسازی اجتماعی، مقایسه اجتماعی غیرمنصفانه، زورگویی، بی‌توجهی به حساسیت‌ها و جذابیت‌ها و بیماری انتخابی. یکی از شرکت‌کنندگان مرد می‌گوید: «من واقعا دوست داشتم با همسرم در تصمیمات زندگی مشارکت داشته باشیم اما اخلاقیات خودش را دارد وقتی اوضاع به مرادش نیست و تصمیمی را نمی‌پسندد مریض می‌شود، فحاشی می‌کند، من را با هر کس و ناکسی مقایسه می‌کند، سرزنش می‌کند و خلاصه چیزی کم و کسر نمی‌گذارد» یکی دیگر از

شرکت کنندگان می‌گویند: «شوهرم فحاشی می‌کند، تهدید می‌کند، اصلا کاری ندارد من از چه چیزی ناراحت می‌شوم یا با چه چیزی خوشحال می‌شوم، حسایی زور می‌گویند»

۴. آسیب شناسی قدرت (نبود سلسله مراتب قدرت، تنظیم قدرت بر اساس منابع بیرونی و عجز یک یا هر دو زوج در تنظیم قدرت) دیگر کدبندی هسته‌ای بود که از داده‌ها استخراج شد و نشان می‌داد که توزیع قدرت در خانواده می‌تواند دچار آسیب شود و در نتیجه کشمکش بر سر قدرت افزایش یابد. یکی از کد هسته‌ای نبود سلسله مراتب قدرت بود این کدبندی سازمان دهنده شامل این کدهای پایه بود: کشمکش طلبی، قدرتمندی موضوعات و افراد درجه دو. در همین راستا یکی از شرکت کنندگان می‌گوید: «خونه‌ی ما هرکی هرکیه، زخم خیلی دنبال دعوا می‌گرده، چیزهای بی خودی را محور دعوا میکنه که اصلا موضوع زندگی ما نیست». کد سازمان دهنده دیگر در این کد هسته‌ای تنظیم قدرت بر اساس منابع بیرونی بود که شامل دو کد پایه‌ی دخالت والدین یا وقوع خیانت بود در همین راستا یکی از مردان گفت: «دائما مادرزن و پدرزنم دخالت می‌کردند اجازه نمی‌دادند که بتونیم همدیگر را پیدا کنیم خودمون تصمیم‌گیرنده باشیم این کار باعث شد خسته باشم و برای حفظ زندگیم مجبور شدم دلم را به کسی خوش کنم واقعا دوست نداشتم خیانت کنم» عجز فردی و زوجی در تنظیم قدرت یکی دیگر از کدهای سازمان دهنده در این کد هسته‌ای بود که شامل کدهای پایه‌ی عدم پذیرش قلمروی همسر و ناتوانی در مدیریت قلمروی تصمیم‌گیری بود. در همین راستا یکی از زنان می‌گوید: «می‌خواهد در هر کاری دخالت کند برای مثال می‌خواهد به من بگوید چطور مرغ پاک کنم، چطوری ظرفها را بچینم نه اینکه خودم بلد نباشم واقعا سرش نمی‌شود که نباید دخالت کند».

۵. هدف از قدرت یابی (فردیت طلبی، زوجیت طلبی و آرمان جویی خانوادگی) دیگر کدبندی هسته‌ای بود که نشان می‌داد زوجین از قدرت یابی و توسعه آن به دنبال اهدافی هستند؛ یکی از این اهداف فردیت طلبی بود که شامل کدهای پایه‌ای ارضای نیازهای فردی و اطمینان از امنیت فردی بود در همین راستا یکی از شرکت کنندگان می‌گوید: «شوهرم تمام تلاشش این است که به اهدافش برسد و از امنیت خودش مطمئن شود و برای این کار از هیچ آزاری کوتاه نمی‌آید» دیگر کد سازمان دهنده در این کد هسته‌ای زوجیت طلبی بود که شامل این کدهای پایه بود: دستیابی به منافع زوجی و دستیابی به علائق زوجی «فکر می‌کنم یکی از علل خوشبختی من آن است که واقعا شوهرم دنبال آن است که جفتمان خوشحال باشیم و راضی» دیگر کد سازمان دهنده در این کد هسته‌ای آرمان جویی خانوادگی بود که این کدبندی‌ها را در بر می‌گرفت: رشد و بالندگی فرزندان و امنیت و رفاه خانوادگی. در همین راستا یکی از شرکت کنندگان می‌گوید: «واقعا من و شوهرم هدفمان چیست جز بچه‌ها و موفقیت اونا، هدفمون چیه به جز اینکه بچه‌ها راحت باشن و خوشحال».

۶. آثار قدرت در خانواده (آثار منفی و آثار مثبت) دیگر کدبندی هسته‌ای بود که نشان می‌داد قدرت در خانواده و نحوه‌ی توزیع آنان در خانواده آثاری را به جای می‌گذارد که بستگی به نحوه‌ی توزیع آن دارد اگر توزیع قدرت بدون آسیب باشد طبیعتا آثار مثبت است و اگر دچار آسیب باشد، این کدبندی هسته‌ای شامل کدهای سازمان دهنده‌ی آثار منفی و مثبت بود در بخش منفی کدهای پایه عبارت بودند از: اختلافات خانوادگی لاینحل، راه‌حل‌های نافرجام، پدر در حاشیه و مادر در مرکز، ناتمام ماندن نقش‌های خانوادگی، مرزهای خانوادگی در هم ریخته، میل به طلاق در یکی از زوجین یا هر دو، مرزهای خانوادگی

آشفته، تعارض زوجین با خانواده گسترده، نشت مشکلات خانوادگی به جامعه، وجود مشکلات روانی و جسمانی و وجود مکانیسم‌های دفاعی ضعیف در خانواده. در همین راستا یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «از اونجاکه تو خونه ما معلوم نیست کی به کیه خوب هیشکی هم مسئولیت کاری را قبول نمیکنه، همش هم را تهدید به طلاق می‌کنیم، حالم از خانواده زنم به هم می‌خوره از بس دخالت میکنن، مشکلاتم روز به روز بیشتر میشه، بچه‌ها در مدرسه مشکل پیدا کرده‌اند و هر راه حلی به کار می‌بریم به مشکل به مشکلات قبلی اضافه می‌شود». کد سازمان دهنده دیگر در این کدبندی هسته‌ای آثار مثبت بود که این کدبندی - های اولیه را در بر می‌گرفت: موفقیت فرزندان، اقتدار مرد و قدرتمندی زن، وجود انطباق و انسجام متعادل، صمیمیت و دلبستگی ایمن، موفقیت فردی و اجتماعی زوجین، عبور از بحران‌های چرخه‌ی رشد خانوادگی. در همین راستا یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «خدا را هزار مرتبه شکر توافقی که با هم داشتیم خیلی بهمون کمک کرد اینکه زنم راضی و خوشحال بود به من کمک کرد تا بتونم اوضاع را در دست بگیرم حالا هم شکر خدا سه بچه دارم هر سه پزشک متخصص هستند، با هم خوبیم و عروس و دامادهای خوبی داریم».

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی مولفه‌های قدرت در خانواده انجام شد. طبق بررسی‌هایی که در این پژوهش به منظور بررسی پیشینه‌ی پژوهشی انجام شد تاکنون پژوهشی چاپ شده به واکاوی مولفه‌های قدرت نپرداخته است که بتوان همسویی و ناهمسویی آن را بررسی کرد اما در همین راستا پژوهش‌هایی به موضوع قدرت در خانواده پرداخته‌اند از جمله حسنیایی و کاویانی (۱۳۹۸) اثر قدرت در خانواده را بر میل به طلاق نشان داده‌اند؛ متولیان و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که قدرت در خانواده می‌تواند دین‌داری را پیش‌بینی نماید؛ کریمی آرا و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که سرمایه اجتماعی درونی و بیرونی با ساختار قدرت خانواده رابطه معنادار دارند؛ میرحسینی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در خانواده‌های ایرانی به سمت مردان است اما نگرش زنان به پذیرش قدرت نیز حائز اهمیت است؛ رجالی و یوسفی (۱۴۰۰) نشان دادند که عدم توازن قدرت باعث می‌گردد حتی خردمندی زنان نتواند روابط خانوادگی مناسب را شکل دهد؛ بشیرگنبدی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی زمینه‌ی عدم توازن قدرت را فراهم می‌نماید؛ دهقانی ششده و یوسفی (۱۳۹۸) نشان دادند که عدم توازن قدرت موجب میل به طلاق می‌گردد. در همین راستا مرادی و یوسفی (۱۳۹۶) نشان دادند که عدم توازن قدرت در خانواده می‌تواند عملکرد اجرایی کودکان دبستانی را کاهش دهد.

در تبیین یافته‌های بدست آمده باید گفت: یکی از نتایج مستخرج از تحلیل داده‌ها، مقوله‌ی هسته‌ای منابع قدرت بود که چهار مقوله‌سازمان دهنده و ۱۲ مقوله‌ی پایه را در بر می‌گرفت. علت انتخاب این عنوان آن بود که تحلیل داده‌ها نشان داد قدرت در خانواده از منابعی برخوردار است و برای داشتن قدرت تصمیم‌گیری بیشتر، باید افراد از این منابع برخوردار باشند؛ هر چند که طبق دیدگاه برخی شرکت‌کنندگان داشتن منابع قدرت بیشتر می‌توانست زندگی را مخدوش هم بنماید این مقوله‌ی هسته‌ای شامل چهار مقوله‌ی سازمان دهنده بود یکی از این مقوله‌های سازمان دهنده قانون بود و نشان می‌داد که قانون در

جامعه‌ی ایران از بدو شکل‌گیری ازدواج به مرد و زن قدرتی می‌دهد که عدم توازن در آن می‌تواند باعث گردد تا خانواده دچار مشکل گردد دیگر مقوله‌ی سازمان‌دهنده در این مقوله‌ی هسته‌ای منابع وابسته به فرد بود که نشان می‌داد قدرت تصمیم‌گیری و اعمال نظر در خانواده تا حد زیادی متأثر از توانمندی‌های وابسته به فرد است که شامل این مقولات پایه بود: توانمندی‌های فردی، توانمندی‌های وابسته به پایگاه خانوادگی اصلی زن یا شوهر بود که نشان می‌داد بسیاری از زنان و مردان با تکیه به شرایط خانوادگی اصلی خود می‌کوشند تا قدرت بیشتری برای تصمیم‌گیری به دست آورند. دیگر مقوله‌ی پایه توانمندی‌های وابسته به جایگاه اجتماعی فرد است که نشان می‌دهد موقعیتی که فرد در جامعه دارد بر اعمال قدرت در تصمیم‌گیری بی‌اثر نیست.

در این مقوله‌ی هسته‌ای دیگر منبع قدرت، قدرت زوجی بود که نشان می‌داد فردی که در ارتباطات زوجی و حفظ آن قوی‌تر است بهتر می‌تواند همسرش را با خودش همراه کند. که شامل این مقوله‌های پایه‌ی بود: توانایی در متقاعد کردن، و توانایی در ایفای تکالیف زوجیمولفه دوم مستخرج از داده‌ها در زمینه‌ی پدیده قدرت در خانواده نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده بود. یکی از مقوله‌های سازمان‌دهنده در این مقوله‌ی هسته‌ای توزیع قدرت بر اساس توانمندی‌های فردی بود که نشان می‌داد هر چه یکی از زوجین در زمینه امور زندگی توانمندتر باشد قدرت بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی به دست می‌آورد. این مقوله‌ی سازمان‌دهنده شامل این مقولات پایه‌ای بود: ارجحیت تحصیلات نسبت به همسر، ارجحیت مالی نسبت به همسر، ارجحیت در توانمندی‌های شناختی نسبت به همسر. این مجموعه یافته‌ها با یافته‌های یی، لو و پان (۲۰۰۰) و ملر (۲۰۲۰) که نشان دادند اشتغال زن می‌تواند ساختار قدرت را تصمیم‌گیری تغییر دهد؛ آنان معتقدند قدرت هر یک از زوجین ناشی از منابعی است که هر یک از زوجین در اختیار دارد و هم وابسته به اتکالی طرف مقابل به منابع وی است. زیپ، پراسکا، برنیلر (۲۰۰۴) نیز معتقدند که تقسیم کارهای خانگی درون خانواده شکلی از روابط قدرت می‌دانند و معتقدند افراد این وظایف را بی‌ارزش تلقی می‌کنند و از این رو می‌کوشند تا این وظایف را تا جای ممکن به عهده طرف مقابل بگذارند. مقوله‌ی سازمان‌دهنده دیگر در این مقوله‌ی هسته‌ای توزیع قدرت بر اساس منابع بیرونی بود علت انتخاب این عنوان آن بود که علت داشتن سهم بیشتر در قدرت تصمیم‌گیری مربوط به منابع بیرونی بود، کدهای پایه در این مقوله عبارت بودند از: مثلث‌سازی با خانواده اصلی. دیگر مقوله‌ی سازمان‌دهنده جنسیت بود که نشان می‌داد افراد بر این باورند که جنسیت نیز قدرت تعیین‌کننده در توزیع قدرت و سهم بندی آن دارد. این یافته با یافته‌ی فیضی و مداحی (۱۴۰۱) که نشان دادند جنسیت در ساختار قدرت خانواده نقش دارد همسو است. به هر حال واستون (۲۰۱۴) نیز معتقد است که تبعیض و نابرابری در خانواده به زن و مرد به هر دو آسیب می‌زند و یکی از انواع خشونت علیه زنان ناتوان پنداری آنان در تصمیم‌گیری‌های درون خانوادگی است همچنین این یافته با یافته‌های مهدوی و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۲) که نشان دادند سطح تحصیلات، اشتغال زنان و مشارکت زنان در انتخاب همسر از جمله منابع موثر در توزیع قدرت هستند همسو است. راهبردهای دستیابی به قدرت دیگر مقوله‌ی هسته‌ای مستخرج از داده‌ها بود علت انتخاب این عنوان این بود که تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که زوجین برای سهم بیشتر در تصمیم‌گیری راهبردهایی را در پیش می‌گرفتند که طبق کدهای سازمان‌دهنده‌ی راهبردهای سازگار دستیابی به اقتدار و راهبردهای ناسازگار دستیابی به قدرت بود. مقوله‌ی سازمان‌دهنده اول راهکارهای مسالمت‌آمیز دستیابی

به قدرت تصمیم‌گیری بود از این رو نام سازگار بر آن گذاشته شد این مقوله شامل این کدهای پایه‌ی بود: اخلاق، محبت کردن، متقاعد کردن، حمایت کردن، درک کردن، توجه و احساس مسئولیت نسبت به نیازهای جنسیتی همسر، حل مسئله و رفاقت. راهبردهای ناسازگار دست‌یابی به قدرت عبارت بودند از: تهدید، فحاشی، سرزنش، عیب‌جویی غرض‌ورزانه، دیگر مقوله پایه بی‌اعتبار سازی اجتماعی بود. مقایسه‌ی اجتماعی غیر منصفانه دیگر مقوله‌ی پایه بود. زورگویی، بی‌توجهی به حساسیت‌ها و جذابیت‌ها نیز در این مقوله‌ی سازمان دهنده جای گرفتند. آسیب‌شناسی قدرت دیگر مقوله‌ی هسته‌ای مستخرج از داده‌ها بود علت انتخاب این عنوان این بود که قدرت در خانواده با آسیب‌هایی همراه است که وضعیت خانواده را متزلزل می‌کند که شامل این مقولات سازمان دهنده بود سلسله مراتب قدرت، تنظیم قدرت بر اساس منابع بیرونی و عجز فردی یک یا هر دوی زوجین در تنظیم قدرت. در مقوله‌ی سازمان دهنده‌ی نبود سلسله مراتب قدرت بود کدهای پایه‌ی کش مکش طلبی و قدرتمندی موضوعات و افراد درجه دوم بود. تنظیم قدرت بر اساس منابع بیرونی دیگر آسیب بود که باعث می‌شود توازن در قدرت خانواده از بین برود که شامل دو مقوله پایه‌ی دخالت والدین و خیانت یکی از زوجین بود. دیگر مقوله سازمان دهنده در این مقوله‌ی هسته‌ای عجز فردی یک یا هر دوی زوجین در تنظیم قدرت بود که حاوی دو کد پایه‌ی عدم پذیرش قلمروی قدرت همسر بود، دیگر کد پایه ناتوانی در مدیریت قلمروی تصمیم‌گیری بود که نشان می‌داد فرد قادر نیست آنچه را که همسر از تصمیم‌گیری است به خوبی به انجام برساند. این یافته با یافته‌ی میرزایی، آقایی‌هیر و کاتبی (۱۳۹۴) که نشان دادند با افزایش تحصیلات مردان، وضعیت اشتغال زنان و میزان درآمد مردان کمک می‌کند تا ساختار خانواده دموکرات‌تر شود همسو است.

هدف از قدرت یابی دیگر مقوله‌ی هسته‌ای مستخرج از داده‌ها بود علت انتخاب این عنوان آن بود که شرکت کنندگان از سهم‌بندی قدرت به دنبال اهدافی بودند که در سه مقوله‌بندی سازمان دهنده جای می‌گرفت: فردیت طلبی، زوجیت طلبی و آرمان‌خواهی خانوادگی. فردیت طلبی یکی از مقولات سازمان دهنده بود که نشان می‌داد سهم‌خواهی بیشتر از قدرت، با خود میان‌بینی ارتباط نزدیکی دارد. مقولات پایه در این مقوله سازمان دهنده عبارت بودند از ارضای نیازهای فردی و اطمینان از امنیت فردی. در همین راستا وینی‌کات و ناسبام (۲۰۱۲) به این نکته اشاره کرده‌اند که فردیت خواهی بیش از اندازه می‌تواند مانعی در برابر عبور زوجین از چرخه‌ی خانوادگی گردد. مقوله‌ی سازمان دهنده‌ی دیگر در این مقوله‌ی هسته‌ای زوجیت طلبی بود که نشان می‌داد برخی متاهلین از سهم‌خواهی در قدرت به دنبال بهبود زندگی زوجی هستند که شامل این مقولات پایه بود: دستیابی به منافع زوجی و دستیابی به علائق زوجی. مینوچین و نیکولز (۱۹۹۸) نیز معتقدند که در خانواده سالم داشتن منافع و علائق زوجی مشترک می‌تواند کشمکش را بر سر قدرت کاهش بدهد. دیگر مقوله بندی سازمان دهنده در این مقوله‌ی هسته‌ای آرمان‌خواهی خانوادگی بود علت انتخاب این عنوان آن بود که سهم‌خواهی در قدرت گاهی کاملاً جنس خانوادگی پیدا می‌کرد که شامل کدهای پایه‌ای زیر بود: رشد و بالندگی فرزندان و تامین امنیت خانواده.

آخرین مقوله‌ی هسته‌ای مستخرج از داده‌ها آثار قدرت در خانواده بود که نشان می‌داد قدرت در خانواده خواه ناخواه آثاری در پی دارد که چنانچه به خوبی توزیع شود مثبت خواهند بود و چنانچه توزیع آن از حالت نرمال خارج شود آثار منفی در پی خواهد داشت. این مقوله‌ی هسته‌ای شامل دو مقوله‌ی سازمان-

دهنده بود: آثار منفی ناشی از قدرت غیرنرمال و آثار مثبت ناشی از اقتدار. مقوله‌ی سازمان‌دهنده‌ی آثار منفی شامل مقولات پایه‌ای اختلافات خانوادگی لاینحل، راه‌حل‌های نافرمام برای مشکلات خانوادگی، پدر در حاشیه مادر در مرکز، ناتمام ماندن نقش‌های خانوادگی، مرزهای خانوادگی در هم ریخته، میل به طلاق در زوجین یا یک از آن‌ها، تعارضات خانوادگی هسته‌ای با خانواده‌ی گسترده، نشت مشکلات خانوادگی به اجتماعی، علائم مشلات جسمانی و روانی، وجود مکانیسم‌های دفاعی ضعیف در خانواده، وجود سبک دلبستگی نایمن در اعضا. این یافته با یافته‌های خدابخشی کولایی، رحمتی‌زاده و شاقلیانلور و پاکوک (۲۰۱۵) که نشان داد توزیع قدرت نامناسب در خانواده با رفتارهای غلط نوجوانان همراه است؛ مقوله‌ی سازمان‌دهنده‌ی دیگر در این مقوله‌ی هسته‌ای آثار مثبت اقتدار در خانواده بود که نشان می‌دهد اگر قدرت توأم با محبت و تفاهم باشد قدرت به شکل اقتدار تجلی پیدا می‌کند این مقوله‌ی سازمان‌دهنده شامل مقولات پایه‌ای زیر بود: توافقات مشترک، موفقیت فرزندان با توجه به توانایی‌های آنان، اقتدار مرد و قدرتمندی زن، وجود انسجام و انطباق متعادل، صمیمیت و دلبستگی ایمن، موفقیت فردی و اجتماعی فرزندان، عبور از بحران‌های چرخه‌ی رشد خانوادگی. این یافته با نظر گراتونت و کوپر (۲۰۰۵) که پیوند مناسب در خانواده در ساختار قدرت مشارکتی را در خانواده عامل مهمی در رشد نوجوانان می‌دانند. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت قدرت در خانواده یعنی تعیین سهم در اتخاذ تصمیمات زندگی خانوادگی یا تصمیماتی که زندگی خانوادگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. قدرت سازه‌ای است که جزئی از ماهیت خانواده است. هر سیستم ارتباطی که برای فرد، زوجین و جامعه کارکرد اجرایی دارد خواه ناخواه از قدرت برخوردار است. خانواده نیز سیستمی طبیعی است که از این ویژگی مستثنی نیست، قدرت در خانواده از پویایی‌هایی برخوردار است که در منابع قدرت، توزیع قدرت، راهبردهای دستیابی به قدرت، آسیب شناسی قدرت، هدف از قدرت یابی و آثار قدرت در خانواده، بروز و ظهور می‌یابد. به هر ترتیب این نتایج می‌تواند تلویحات روشنی در پی داشته باشد و آن اینکه برای داشتن خانواده موفق قدرت و سهم بندی آن باید به گونه‌ای تدوین شود که زوجین از آن رضایت داشته باشند اما برخی از افراد به علت مشکلات درون فردی، اهداف مبتنی بر فردیت خواهی، شیوه‌های غلط دستیابی به قدرت باعث می‌گردند که آثار حاصل از قدرت به آسیب‌های خانوادگی منجر می‌گردد. این پژوهش نیز همچون سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت از جمله اینکه سیر تحولی قدرت طی چرخه‌ی خانواده در این پژوهش مورد توجه قرار نگرفت. پیشنهاد می‌شود طی پژوهشی دیگر سیر تحولی قدرت در چرخه‌ی زندگی بررسی شود. پیشنهاد می‌گردد با توجه به این یافته‌ها بسته‌ی مناسب اصلاح ساختار قدرت در خانواده تنظیم گردد.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

تشکر و قدردانی

از کلیه متاهلینی که طی این پژوهش با ما همراهی کردند و مسئولین پژوهشی دانشگاه سپاسگزاریم.

تعارض منافع

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که نویسندگان هیچگونه تعارض منافی نداشته‌اند. همچنین این پژوهش این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتری مشاوره است و هیچگونه حمایت مالی نداشته است لازم به ذکر است این در این پژوهش اصل محرمانه ماندن اسامی و رضایت آگاهانه رعایت شده است.

منابع

- بشیرگنبدی، سپیده، و درگاهی، شهریار، و احمدبوکانی، سلیمان، و فداکار، پرویز. (۱۴۰۰). آزمون مدل علی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی مثلث سازی. سلامت و بهداشت اردبیل، ۱۲(۱)، ۲۹-۱۲.
- رجالی، هدی، و یوسفی، زهرا. (۱۴۰۰). پیش بینی رابطه با همسر بر اساس خردمندی و راهبردهای کنترل فکر و نقش تعدیل گری ابعاد روابط خانوادگی و مثلث سازی در زنان متأهل. خانواده درمانی کاربردی، ۱۲(پیاپی ۵)، ۱۲۶-۱۴۲.
- مرادی، حبیب، و یوسفی، زهرا. (۱۳۹۶). پیش‌بینی عملکرد اجرایی دختران دبستانی بر اساس ویژگی‌های سیستمی خانواده (مثلث‌سازی و مرزها) و مشارکت پدران. مطالعات پیش دبستان و دبستان، ۲(۸)، ۹۳-۱۱۰.
- فیضی ایرج، و مداحی جواد. (۱۴۰۱). ساختار قدرت در خانواده و طلاق؛ بررسی نقش تعدیل‌کننده نگرش‌های جنسیتی. مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۱)، ۸۷-۱۰۷.
- مهدوی، محمد صادق، و صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۲(۴۲)، ۲۷-۶۸.
- میرزائی، حسین، آقاباری هیر، توکل، و کاتبی، مهناز. (۱۳۹۴). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده‌های شهر تبریز. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۲(۱)، ۶۹-۹۱.

References

- Bashirgonbadi, S., Dargahi, S., Ahmadbokani, S., & Fadaakar, P. (2021). Testing causal model of marital satisfaction based on attachment styles with the mediating role of triangulation. *Health and hygiene in Ardabil*, 12(1), 12-29. [In Persian]
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Braun, V., & Clarke, V. (2019). Reflecting on reflexive thematic analysis. *Qualitative research in sport, exercise and health*, 11(4), 589-597.
- Feizi Iraj, & Madahi, J. (2022). Power structure in the family and divorce; examining the moderating role of gender attitudes. *Iranian Social Issues*, 13(1), 87-107. [In Persian]
- Ferguson, K. T., & Evans, G. W. (2019). Social ecological theory: Family systems and family psychology in bioecological and bioecocultural perspective. In B. H. Fiese, M. Celano, K. Deater-Deckard, E. N. Jouriles, & M. A. Whisman (Eds.), *APA handbook of contemporary family psychology: Foundations, methods, and contemporary issues across the lifespan* (pp. 143-161). American Psychological Association.
- Fiese, B. H., Celano, M. E., Deater-Deckard, K. E., Jouriles, E. N., & Whisman, M. A. (2019). *APA handbook of contemporary family psychology: Foundations, methods,*

- and contemporary issues across the lifespan, Vol. 1 (pp. xxvi-815). American Psychological Association.
- Fisher CA, Skocic S, Rutherford KA, Hetrick SE. (2019). Family therapy approaches for anorexia nervosa. *Cochrane Database System Rev.* 1;5(5):CD004780.
- FitzPatrick, B. (2019). Validity in qualitative health education research. *Currents in Pharmacy Teaching and Learning*, 11(2), 211-217.
- Gerson, M. J. (2019). Psychodynamic theories of the family. In B. H. Fiese, M. Celano, K. Deater-Deckard, E. N. Jouriles, & M. A. Whisman (Eds.), *APA handbook of contemporary family psychology: Foundations, methods, and contemporary issues across the lifespan* (pp. 21-35). American Psychological Association.
- Jackson, J. B., & Landers, A. L. (2020). Structural and Strategic Approaches. *The Handbook of Systemic Family Therapy*, 1, 339-364.
- Khodabakhshi Koolae. A., Shaghelani Lor, H., Soleimani, A. A., Rahmatizadeh, M. (2014). Comparison between family power structure and the quality of parent-child interaction among the delinquent and non-delinquent adolescents. *Int J High Risk Behav Addict*, 8;3(2):e13188..
- Lebow, J. L. (2019). Current issues in the practice of integrative couple and family therapy. *Family process*, 58(3), 610-628.
- Li, Z. (2019). Family Power Structure and Economic Issues. *Journal of Family and Economic Issues*, 1-16.
- Mahdavi, M. S., & Sabouri Khosroshahi, H. (2003). Investigating the power distribution structure in the family. *Women's Social and Psychological Studies*, 2(42), 27-68. [In Persian]
- Meler, T. (2020). Money, power, and inequality within marriage among Palestinian families in Israel. *The Sociological Review*, 68(3), 623-640.
- Mirzaei, H., Aghayari H., & Katbi, M. (2015). Investigating the power distribution structure in families in Tabriz city. *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 12(1), 69-91. [In Persian]
- Moradi, H., & Yousefi, Z. (2017). Predicting the executive performance of elementary school girls based on family systemic characteristics (triangulation and boundaries) and father's participation. *Journal of Preschool and Elementary School Studies*, 2(8), 93-110. [In Persian]
- Rajali, H., & Yousefi, Z. (2021). Predicting marital relationship based on intelligence and thought control strategies and the moderating role of family relationship dimensions and triangulation in married women. *Applied Family Therapy*, 2(1), 126-142. [In Persian]
- Szapocznik, J., & Hervis, O. E. (2020). *Brief strategic family therapy*. American Psychological Association.
- Winnicott, D. W. (2012). *The family and individual development*. Routledge.
- Yi, C. C., Lu, Y. H., & Pan, Y. K. (2017, November). A comparison of the family power structure in Taiwan and China. In *Walking a Tightrope: Meeting the Challenges of Work and Family* (pp. 91-116). Routledge.
- Zipp, J. F., Prohaska, A., & Bemiller, M. (2004). Wives, husbands, and hidden power in marriage. *Journal of Family Issues*, 25(7), 923-948.

Examining the components of power dynamics in the family: a sample of qualitative study

Vahid. Soltanian¹, Zahra. Yousefi^{2*} & Felor. Khayatan³

Abstract

Aim: The aim of the present study is to examine the components of power in the family. **Method:** This study was conducted with a qualitative method and a theme analysis method (Clark & Brauan, 2006). The purposeful sampling method was homogeneous in this way that 12 married people, both men and women, were satisfied and dissatisfied with married life, who were selected based on the entry and exit criteria and were interviewed. The research tool was semi-structured interview. The collected data were analyzed with the help of thematic analysis. **Results:** The results showed six main categories, which were 1) sources of power (legal, individual, couple, family) 2) distribution of power (based on individual capabilities, external power sources, gender and age) 3) strategies for achieving power (compatible and incompatible strategies) 4) pathology of power (lack of power hierarchy, regulation of power based on external sources and inability of one or both couples to regulate power) 5) goal of gaining power (individualism, matrimonialism and family idealism) 6) Effects of power in the family (negative effects and positive effects). **Conclusion:** According to these results, it can be said that power in the family is a multi-dimensional and dynamic structure whose damages can lead the family to chaos and vice versa.

Keywords: power, family, theme analysis.

1. PhD student, Department of Psychology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2.***Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Email: z.yousefi@khuisf.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran